



Investigating the Factors Affecting the Occurrence of Law Breaking in E-business Entrepreneurs

Mostafa Lotfi¹ | Ehsan Chitsaz^{✉2} | Shayan Rostami Asrabadi³

1. Department of Business, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: mostafalotfi@ut.ac.ir
2. Department of Entrepreneurship Development, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Corresponding Author). E-mail: chitsaz@ut.ac.ir
3. Department of Business, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: rostami.shayan73@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 6 Feb 2023
Received in revised form:
16 Feb 2023
Accepted: 16 Feb 2023
Available online:
16 Feb 2023

Keywords:
Human Freedom Index;
Perceived Corruption
Index;
Law Breaking;
Electronic Businesses.

ABSTRACT

Contrary to the standard approach of classical economics, many studies show that all people somewhat engage in wrongdoing and break the law in order to gain profit as long as their self-image is not affected. The current study, which is a branch of this new psychological view on breaking the law, using two tests, identifies and examines the factors affecting the possibility of breaking the law among people. In the first test, the relationship between the amount of legal restrictions and the amount of participation in price manipulation was investigated on an international sample including 347 cryptocurrency traders. In the second test, the relationship between the probability of breaking the law in one field and the probability of breaking the law in another field was investigated on a sample of 189 entrepreneurs. According to the results of the current study, breaking the law in one field can make people more indifferent to all laws. In addition, the increase in legal restrictions can make people more indifferent to laws, which itself reduces the amount of attention to the law. Among other factors affecting the probability of breaking the law, one can refer to the person's understanding of the extent of breaking the law among others. The more someone estimates the amount of law-breaking by their peers in similar circumstances, the more they will break the law. This study provides policymakers and planners with practical suggestions.

Education and Management of Entrepreneurship, 2023, Vol. 1, No. 1, pp 71-86

Cite this article: Lotfi, M., Chitsaz, E., & Rostami Asrabadi, Sh. (2023). Investigating the Factors Affecting the Occurrence of Law Breaking in E-business Entrepreneurs. *Education and Management of Entrepreneurship*, 1 (1), 71-86. doi: 10.22126/eme.2023.2506 (in Persian).



© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22126/eme.2023.2506>

Publisher: Razi University

بررسی عوامل مؤثر بر بروز قانون شکنی در کارآفرینان کسب و کارهای الکترونیک

مصطفی لطفی^۱ | احسان چیت‌ساز^۲ | شایان رستمی عصرآبادی^۳

۱. گروه کسب و کار، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: mostafalotfi@ut.ac.ir

۲. گروه توسعه کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول). رایانامه: chitsaz@ut.ac.ir

۳. گروه کسب و کار، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: rostami.shayan73@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

برخلاف رویکرد استاندارد اقتصاد کلاسیک، پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهند همه مردم تا حدی که به خودآنگاره‌شان ضربه نخورد، برای کسب سود دست به ناراستی و قانون شکنی می‌زنند. پژوهش حاضر که از این رویکرد جدید روان‌شناختی در مورد قانون شکنی شاخه گرفته است، طی دو آزمون به شناسایی و بررسی دو عامل مؤثر بر احتمال ارتکاب به قانون شکنی در افراد می‌پردازد. در آزمون اول، ارتباط بین میزان محدودیت‌های قانونی و میزان مشارکت در دست‌کاری قیمتی در یک نمونه بین‌المللی شامل ۳۴۷ نفر از مبادله‌کنندگان رمز ارز بررسی شد. در آزمون دوم نیز ارتباط میان میزان احتمال بروز قانون شکنی در یک زمینه و احتمال بروز قانون شکنی در زمینه‌ای دیگر بر روی نمونه‌ای از ۱۸۹ کارآفرین بررسی شد. براساس نتایج پژوهش حاضر قانون شکنی در یک زمینه می‌تواند افراد را نسبت به کلیه قوانین بی‌تفاوت‌تر کند، همچنین ازدیاد محدودیت‌های قانونی می‌تواند منجر به بی‌تفاوت شدن افراد نسبت به قوانین شده که این امر به خودی خود میزان قانون‌مداری را کاهش می‌دهد. از دیگر عوامل مؤثر بر احتمال قانون شکنی می‌توان به درک فرد از میزان قانون شکنی دیگران اشاره کرد، هرچه فرد تخمین بیشتری از میزان قانون شکنی هم‌نسل‌های خود در شرایط مشابه بزند، خود نیز بیشتر مرتکب قانون شکنی خواهد شد. این پژوهش پیشنهاد‌های کاربردی را برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به همراه دارد.

نوع مقاله: مقاله علمی - پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

دسترسی آنلاین: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

کلیدواژه‌ها:

شاخص آزادی انسان،

شاخص فساد درک‌شده،

قانون شکنی،

کسب و کارهای الکترونیک.

آموزش و مدیریت کارآفرینی، دوره ۱، شماره ۱، سال ۱۴۰۱، صفحات ۸۶-۷۱

استناد: لطفی، مصطفی؛ چیت‌ساز، احسان؛ رستمی عصرآبادی، شایان (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر بروز قانون شکنی در کارآفرینان کسب و کارهای

الکترونیک. آموزش و مدیریت کارآفرینی، ۱(۱)، ۸۶-۷۱. doi: 10.22126/eme.2023.2506



© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22126/eme.2023.2506>

ناشر: دانشگاه رازی

مقدمه

در تعاریف اخلاق کسب و کار، واژه‌های متفاوتی مانند قانون‌گرایی، پایبندی به ارزش‌های انسانی، التزام به فرمان‌های الهی و توجه به فضایل انسانی در کانون توجه‌اند (محمدی الیاسی و بادلی، ۱۳۹۴؛ هولمز^۱، ۲۰۰۴). پژوهش‌های گذشته معمولاً با محوریت یکی از نظریات، موضوع قانون‌شکنی را دنبال کرده‌اند. در پژوهش حاضر دو سنج قانون‌شکنی نرم^۲ و ناراستی^۳ برای بررسی عدم صداقت در رفتار انتخاب شده است و با تکیه بر سه نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده^۴، تئوری تعمیر خودانگاره^۵ و نظریه قانون‌شکنی^۶ با کمک و تکیه بر یک جامعه بین‌المللی به صورت همه‌جانبه‌تر به مطالعه عدم صداقت در رفتار می‌پردازد و سعی در برطرف کردن شکاف نظریات گذشته با کشف ارتباط بین آن‌ها دارد.

یکی از اهداف این آزمون بررسی سرایت تجربه عدم صداقت در یک رفتار، به رفتاری دیگر است. امروزه با این پرسش روبه‌رو هستیم که آیا افزایش محدودیت‌های قانونی و کاهش آزادی‌ها که خود ممکن است افراد را به قانون‌شکنی سوق دهد، به بی‌تفاوتی فرد نسبت به سایر قوانین نیز منجر خواهد شد؟ برای پاسخگویی به این پرسش، دست‌کاری قیمتی در رمز ارزها، نماینده عدم صداقت رفتاری در نظر گرفته شده و ارتباط میان میزان مشارکت افراد در دست‌کاری قیمتی رمز ارزها و نمره افراد در شاخص آزادی انسان پژوهش می‌شود. مطالعه ادبیات پژوهش حاکی از آن است که همان‌طور که جامعه از تبادل پول نقد دورتر شده و مبادلات الکترونیکی رایج می‌شود، مدیوم‌ها_انواع واسطه‌های جدید مالی، مانند نمونه پژوهش اول از میان مبادله‌کنندگان رمز ارزها انتخاب شده‌اند. دسترسی به رمز ارزها، سهام، اعتبارات و توکن‌ها_به سرعت در اقتصاد در حال افزایش است. اگر نتایج پژوهش‌ها در مورد ارزش اسمی^۷ را در نظر بگیریم، باید به رفتار نادرست در این مدیوم‌های جدید (برای مثال، سهام روز گذشته^۸) توجه ویژه کرد، زیرا آن‌ها فرصت‌های بیشتری را برای رفتار نادرست زیر رادار^۹ فراهم می‌کنند. افزون بر این، مشاهدات مازر و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۸) در آزمایش مدیوم نشان داد که نه تنها به مردم اجازه رفتار نادرست به دفعات بیشتری را می‌دهند، بلکه بزرگی رفتار نادرست را نیز بیشینه می‌کنند به همین دلیل مبادلات رمز ارزها محیط مساعدی برای انجام رفتار نادرست به حساب می‌آید و این سؤال را ایجاد می‌کند که تغییر میزان آزادی فرد تا چه اندازه بر احتمال بروز قانون‌شکنی آن فرد تأثیر دارد؟

در ادامه در بخش اول به مرور ادبیات و شکل‌دهی فرضیه‌های پژوهش اقدام شده است. در بخش بعدی روش بررسی فرضیه‌های پژوهش معرفی گردیده و در ادامه با بررسی داده‌های پژوهش سعی در یافتن نتایج بررسی فرضیه‌ها به عمل آمده و در بخش آخر نیز به نتیجه‌گیری، ارائه راهکارها و پژوهش‌های آتی پرداخته شده است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این پژوهش با توجه به بعضی مفاهیم مانند قانون‌شکنی ابتدا لازم است تا تعریف دقیقی بر آن‌ها ارائه شود.

1. Holmes
2. Soft Law-evasion
3. Dishonesty
4. Theory of Planned Behavior
5. Self-Concept Maintenance
6. Law-evasion
7. Face Value
8. Backdating stocks
9. Under-the-radar dishonesty
10. Mazar et al.

«قانون شکنی، رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه نتیجه می‌شود» و «قانون شکن، کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد». با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین قانون شکنی طیفی از رفتار است که از قانون شکنی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و...) تا قانون شکنی گاه‌گاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را دربر می‌گیرد. به قانون شکنی نوع اول، قانون شکنی سخت و به قانون شکنی نوع دوم، قانون شکنی نرم می‌گوییم. آنچه مسلم است اینکه همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون شکنی از نوع دوم می‌شوند، زیرا این نوع قانون شکنی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد راحت‌تر در جامعه انجام می‌پذیرد به طوری که در جامعه به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته شده از دیدگاه عموم مردم در آمده است (بابایی و فیروزجانیان، ۱۳۸۸).

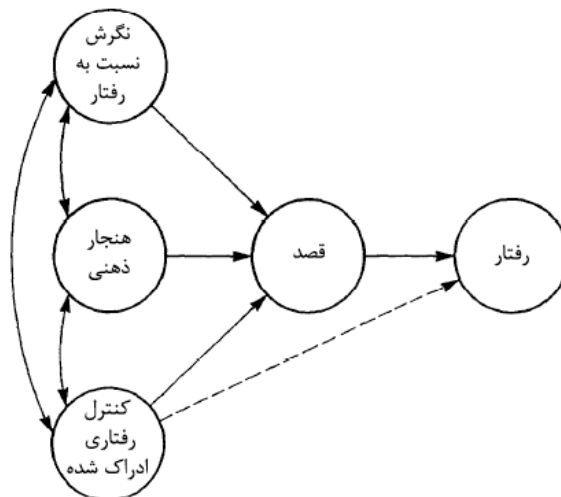
نظریات دیگری نیز وجود دارند که با نظریه قانون شکنی بر سر اینکه همه افراد اجتماع تا حدی دست به شکستن قوانین می‌زنند هم نظرند. به طور مثال براساس نظریه تعمیر خودانگاره که در سال ۲۰۰۶ توسط دن آریلی^۱ معرفی شد، اغلب مردم همواره در موقعیت مناسب دست به رفتار نادرست می‌زنند اما فقط تا آستانه‌ای که نظرشان نسبت به خودشان به عنوان فردی درست‌کار تغییر نکند. دن آریلی و سایر پژوهشگران نظریه تعمیر خودانگاره معتقدند این آستانه تحت تأثیر عوامل مختلف محیطی و روان‌شناختی قابل جابه‌جایی است. تاکنون پژوهش‌های متفاوتی برای شناسایی عوامل مؤثر بر این آستانه انجام شده‌اند. پژوهشگران این نظریه معتقدند که قانون شکنی‌های زیر این آستانه به صورت ناخودآگاه انجام می‌شوند.

شکستن قوانین زیر آستانه معرفی شده به وسیله آریلی را می‌توان همان قانون شکنی نرم در نظریات قانون شکنی در نظر گرفت. با تعمیم نظریات قانون شکنی به نظریه تعمیر خودانگاره می‌توان یک دسته جدید از قانون شکنی‌های نرم به نام قانون شکنی‌های نرم ناخودآگاه ارائه کرد و به پژوهش عوامل مؤثر بر آن پرداخت. در پژوهشی که محسنی (۱۳۹۱) انجام داده مشاهده شد که محدودکنندگی قوانین تأثیر بالایی در شیوع قانون شکنی دارد. به طوری که درصد چشم‌گیری از افراد مورد مطالعه (۴۵/۳ درصد) تضاد منافع فردی‌شان با قانون را در عدم پذیرش قانون (قانون شکنی) مؤثر دانسته‌اند. پژوهش حاضر با هدف تبیین و بررسی محدودکنندگی قانون به عنوان عاملی که آزادی‌های افراد را کاهش داده و آن‌ها را به سمت تجربه بیشتر قانون شکنی به طور روزمره سوق خواهد داد، مسیر پژوهشگران گذشته را ادامه می‌دهد؛ بنابراین می‌توان این‌گونه فرض کرد که:

فرضیه ۱: کاهش آزادی‌ها و افزایش محدودکنندگی قانون، بر میزان احتمال بروز قانون شکنی فرد تأثیر مثبت دارد.

از سوی دیگر، براساس نظر آگینو^۲، عواملی در جامعه وجود دارد که برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهد و منجر به کج رفتاری و قانون شکنی آن‌ها می‌شود (اصغرزاده و شایگان، ۱۳۹۴؛ زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۱). به تعبیری علت اصلی جرم در درون اجتماع است. در حقیقت، سازمان اجتماعی خاص در یک جامعه است که افراد را برای عمل انحرافی تحت فشار قرار می‌دهد. نظریات دیگری نیز به شناسایی و تبیین قانون شکنی با محوریت عوامل اجتماعی پرداخته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده اشاره داشت. براساس این نظریه رفتار انسان تحت تأثیر قصد فرد است که به نگرش وی نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی او و کنترل

رفتاری ادراک شده وی وابسته است؛ بنابراین با دست کاری این سه عامل می توان قصد افراد را تحت تأثیر قرار داده و عمل به رفتار خاصی را برنامه ریزی کرد.



شکل ۱. نظریه رفتار برنامه ریزی شده (آژن، ۱۹۹۱)

نگرش نسبت به رفتار: درجه ای که فرد یک ارزیابی مطلوب یا نامطلوب نسبت به رفتار مورد نظر دارد. **هنجارهای ذهنی:** میزان فشار اجتماعی ادراک شده نسبت به انجام یا عدم انجام یک رفتار.

کنترل رفتاری ادراک شده: تصور فرد از میزان راحتی و یا مشکل بودن انجام عمل مورد نظر.

قصد: نشان دهنده میزانی که افراد برای انجام عملی خاص تمایل و برنامه ریزی برای تلاش و کوشش را دارند. پژوهشگران در گذشته بارها از این نظریه برای پیش بینی قانون شکنی بهره برده اند. پژوهش حاضر نیز با کمک این نظریه سعی در توسعه نظریه قانون شکنی دارد و به بررسی هنجارهای ذهنی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ارتکاب به قانون شکنی نرم ناآگاهانه می پردازد؛ بنابراین می توان این گونه بیان کرد که:

فرضیه ۲: میزان احتمال فرد در ارتکاب قانون شکنی، با میزانی که احتمال می دهد سایرین آن قانون شکنی را مرتکب شوند رابطه مستقیم دارد.

یکی از دیگر عوامل به وجود آورنده قانون شکنی، آنومی اجتماعی^۲ است. آنتونی گیدنز^۳، آنومی را عبارت از وضعیتی می داند که در آن هنجارهای اجتماعی، نظارت و کنترل خود را بر روی رفتار فرد از دست می دهند. از این رو، می توان گفت که مفهوم آنومی بیانگر به تحلیل رفتن قواعد اجتماعی یا بی هنجاری^۴ است (عزیزی، ۱۳۸۸).

از فرضیات پژوهش حاضر آن است که شکستن قوانین فارغ از زمینه آن ها، تکرار قانون شکنی را آسان تر می کند. یکی از عواملی که به این یادگیری سرعت می بخشد، تمرین بیشتر قانون شکنی است. همان طور که دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۸) گستردگی دامنه منهیات قانون را از عوامل پیش بینی کننده قانون شکنی می شمارند، مفروض است که اگر افراد برای گذراندن زندگی روزمره خود نیاز به شکستن قوانین داشته باشند، ناخواسته و بدون آگاهی در برابر رعایت قوانین دچار انعطاف بیشتری خواهند شد. چنین وضعیتی در چارچوب

1. Ajzen

۲. نظریه بی هنجاری (آنومی) یا آشفتگی اجتماعی

3. Anthony Giddens

4. Disconfitment

نظریه قانون شکنی، آنومی نام می‌گیرد؛ بنابراین با صحبت‌های پیشین می‌توان این‌گونه فرض کرد که: **فرضیه ۳:** افزایش قانون شکنی در یک زمینه موجب افزایش احتمال قانون شکنی در سایر زمینه‌ها می‌شود. پژوهشگران بسیاری در گذشته نقش تجربه را در احتمال ارتکاب به قانون شکنی بررسی کرده‌اند اما این تجربه محدود به تکرار یک عمل قانون شکنانه خاص در یک زمینه ثابت و تأثیر آن بر احتمال ارتکاب دوباره آن بوده است. مشکل محدود کردن تجربه در همان زمینه یکسان، فعال‌سازی سازوکارهای عادت و اتوماتیک‌سازی است. در واقع افراد ممکن است تنها به سبب عادت به انجام یک کار، آن را با احتمال بیشتری انجام دهند و آستانه ریاکاری آن‌ها تغییری نکنند. پژوهش حاضر درصدد آن است تا این محدودیت را کنار گذاشته و نقش سرایت تأثیرات تجربه را در بین زمینه‌ها بررسی کند. امید است با این بررسی دخالت سازوکار عادت و اتوماتیک‌سازی به حداقل رسیده و بتوان تأثیرات تجربه را از یک جنبه عمومی‌تر بررسی کرد تا پژوهش‌های گذشته توسعه یابد.

روش پژوهش

آزمون اول

جامعه مورد مطالعه پژوهش دو گروه مبادله کنندگان رمزارزها و کارآفرینان کسب و کارهای الکترونیک تشکیل داد. در جامعه اول که شامل مبادله کنندگان رمزارزها بود، با توجه به در دسترس نبودن تمامی افراد جامعه، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۴۷ نفر از آنان انتخاب شدند. در آزمایش اول، درستی ارتباط بین متغیرهای پژوهش و تأثیر آن بر روی مشارکت کنندگان در دست‌کاری‌های قیمتی رمز ارزها مورد پژوهش قرار گرفت. جامعه اول امکان بررسی بین فرهنگی مسئله پژوهش را به خاطر ترکیب مناسب چندملیتی اعضای نمونه فراهم می‌سازد. در جامعه دوم که کارآفرینان کسب و کارهای الکترونیک بودند نیز با توجه به در دسترس نبودن تمامی افراد جامعه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و فرمول کوکران تعداد ۱۸۹ نفر از آنان انتخاب شدند.

با توجه به ویژگی‌های مساعد جامعه اول در بروز رفتار نادرست و امکان اندازه‌گیری آن، دسترسی مناسب پژوهشگر به مبادله کنندگان رمز ارزها و همچنین امکان مطالعه بین فرهنگی، در مرحله اول پژوهش فرضیات و روابط بین سازه‌های پژوهش به صورت یک پدیده جهان‌شمول انجام شده و سپس در مرحله دوم پژوهش به بررسی چگونگی این روابط در جامعه دوم (کارآفرینان کسب و کارهای الکترونیک) پرداخته شده است.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون دوجمله‌ای با نرم‌افزار SPSS و بازی پرتاب سکه که آبلر و همکاران^۱ (۲۰۱۴) برای بررسی انگیزه‌های ناراستی و دروغ به کار بست، استفاده شده است. در این بازی به هر شرکت کننده فرصت آن داده شد تا بیست بار یک سکه را پرتاب کند و به ازای هر بار که نتیجه پرتاب سکه شیر شد، یک کوپن پنجاه سنتی جایزه دریافت گردید.

فرضیه ۱: کاهش آزادی‌ها و افزایش محدودکنندگی قانون، بر میزان احتمال بروز قانون شکنی فرد تأثیر مثبت دارد.

فرضیه ۲: میزان احتمال فرد در ارتکاب قانون شکنی، با میزانی که احتمال می‌دهد سایرین آن قانون شکنی را مرتکب شوند رابطه مستقیم دارد.

جدول ۱. فرضیات و متغیرها در آزمون اول

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیر کنترل	متغیر تعدیل‌گر	روش تحلیل
۱	شاخص آزادی انسان	میزان بزرگ‌نمایی نتایج در بازی پرتاب سکه	-	-	آزمون دوجمله‌ای با نرم‌افزار SPSS
۲	تخمین از میزان تأیید دیگران	دفعات استفاده از سیگنال‌ها	-	-	آزمون دوجمله‌ای با نرم‌افزار SPSS

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از دو شیوه مراجعه به اسناد و مدارک که تکیه بر پایگاه داده‌های معتبر بین‌المللی دارد و همچنین جمع‌آوری داده‌های آزمایشی استفاده شده است.

شاخص آزادی انسان^۱

شاخص آزادی انسان وضعیت آزادی بشر در جهان را براساس معیاری گسترده ارائه می‌دهد که آزادی فردی، مدنی و اقتصادی را دربر می‌گیرد. این شاخص معیار وسیعی از آزادی انسان را ارائه می‌دهد که به‌عنوان فقدان محدودیت اجباری شناخته می‌شود. این گروه از ۷۹ شاخص متمایز آزادی فردی و اقتصادی استفاده می‌کند. این شاخص موارد زیر را پوشش می‌دهد: حاکمیت قانون، امنیت و ایمنی، جنبش، دین، انجمن، جامعه مدنی، بیان، اندازه دولت، سیستم قانونی و حقوق مالکیت، دسترسی به پول، آزادی تجارت بین‌الملل و مقررات اعتبار، کار و تجارت.

شاخص آزادی بشر در سال ۲۰۱۵ ایجاد شد و برای سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ حدود ۱۵۲ کشور و در سال ۲۰۱۶ (برای سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵) حدود ۱۵۹ کشور را پوشش داد. این گزارش توسط مؤسسه کاتو، مؤسسه فریزر و مؤسسه لیبرال‌ها^۲ در مؤسسه فردریش نومان^۳ برای آزادی منتشر شده است. نویسندگان گزارش، یان واسکوز و تانیا پورکنیک^۴ هستند. شاخص آزادی انسان (HFI) که پایگاه داده استفاده شده در پژوهش حاضر است توسط سازمان بین‌المللی شفافیت، متولی این شاخص، پس از جمع‌آوری از منابع مختلف از لحاظ روایی و پایایی مورد آزمون قرار گرفته است.

بازی پرتاب سکه

در مرحله جمع‌آوری داده‌های آزمایشی، شرکت‌کنندگان در یک بازی پرتاب سکه مشارکت کردند و نتایج را در یک فرم آنلاین وارد کردند. به شرکت‌کنندگان گفته شد تا نتایج چند پرتاب سکه را برای دریافت جایزه به ازای هر شیر یا خط اعلام کنند. این آزمون عموماً به‌طور ناشناس اجرا می‌شود و راهی برای تشخیص تقلب یک فرد به‌طور مجزا نیست که خود زمینه تقلب کردن را راحت‌تر می‌کند. میزان تقلب انجام‌شده براساس واریانس کل پاسخ‌های گروه از تخمین آماری اندازه‌گیری می‌شود.

آزمون دوم: همبستگی در میزان قانون‌شکنی بین زمینه‌های متفاوت

در آزمون دوم مدل پیشنهادی روی کارآفرینان کسب‌وکارهای الکترونیک بررسی می‌شود. آزمون دوم بر روی ۱۹۰ نفر از کارآفرینان کسب‌وکارهای الکترونیک به کمک روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شده است. در این آزمون یک پرسشنامه در بین کارآفرینان کسب‌وکارهای الکترونیک توزیع و تکمیل گردید و نتایج آن با

1. Human Freedom Index (HFI)
2. Liberales
3. Friedrich Neumann
4. Tanja Porcnik

استفاده از روش مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از حداقل مربعات جزئی (PLS) و یا SEM براساس PLS بررسی شد. این روش از گذشته‌ای نزدیک استفاده شده و به‌طور وسیع در طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مختلف مورد استقبال واقع شد. این نرم‌افزار با طیف گسترده‌ای از ویژگی‌ها روبرو است که در دیگر نرم‌افزارها به راحتی قابل محاسبه نیست. از جمله این ویژگی‌ها تأثیر متغیر تعدیل‌گر، الگوریتم‌ها و نمودارهای تحلیلی متفاوت است.

فرضیه ۳: افزایش قانون شکنی در یک زمینه موجب بالا رفتن احتمال قانون شکنی فرد در سایر زمینه‌ها می‌شود.

جدول ۲. فرضیات و متغیرها در آزمون دوم

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیر کنترل	متغیر تعدیل‌گر	روش تحلیل
۳	پرسشنامه اخلاق در کار ^۱ (PBES)	پرسشنامه آزاد انگاری قانونی	۱. سن ۲. تحصیلات ۳. جنسیت	-	روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از حداقل مربعات جزئی (PLS) و یا SEM براساس PLS

در آزمون دوم با تکیه بر ادبیات پژوهش و با استفاده از دو سازه که به‌وسیله پژوهشگران در گذشته بارها استفاده شده است، از راه پرسشنامه به گردآوری اطلاعات به‌صورت دست اول اقدام شد.

پرسشنامه اخلاق در کار

پرسشنامه اخلاق در کار (PBES) اولین بار به‌وسیله کلارک^۲ (۱۹۶۶) توسعه یافت و توسط مجتبی و همکاران^۳ (۲۰۰۹) به‌روزرسانی شد. این پرسشنامه شامل یازده سؤال است که نماینده موقعیت‌های کاری (دوراهی‌های اخلاقی) هستند. شرکت‌کنندگان به هر پرسش در یک مقیاس لیکرت ۵ شماره‌ای، از ۱ (به‌معنی شدیداً موافق) تا ۵ (به‌معنی شدیداً مخالف)، جواب می‌دهند.

اطلاعات مرتبط با روایی و پایایی سازه اخلاق در کار به‌وسیله کلارک (۱۹۶۶) گزارش شده است. تناسب این پرسشنامه با اهداف محقق در پژوهش حاضر نیز در پژوهش‌هایی که به‌وسیله آرلو و اولریج^۴ (۱۹۸۰) و استیونز^۵ (۱۹۸۴) انجام شد، شرح داده شده است (استفنسون و همکاران^۶، ۱۹۹۵)؛ همچنین مجتبی و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی قابلیت تعمیم این سازه بر فرهنگ‌های شرقی را بررسی کرده است.

پرسشنامه آزاد انگاری قانونی^۷

آزاد انگاری قانونی به نگرش‌های سهل‌گیرانه نسبت به قانون شکنی می‌گویند (براساس این ایده اگر فردی نسبت به رفتارهای اجتماعی غیر قابل قبول، دیدی سهل‌انگارانه داشته باشد، احتمال بیشتری دارد که به آن نوع از رفتار مرتکب شود (مارین و هوق^۸، ۲۰۱۱).

«آزاد انگاری قانونی» با پاسخ شرکت‌کنندگان به این پرسش‌ها ارزیابی شد: «لطفاً برای هر یک از

1. Personal Business Ethics Score (PBES)
2. Clark
3. Mujtaba et al.
4. Arlow & Ulrich
5. Stevens
6. Stephenson et al.
7. Legal Permissiveness
8. Marien & Hooghe

گزاره‌های زیر به من بگویند که آیا فکر می‌کنید کاملاً توجیه‌پذیر است، اصلاً قابل توجیه نیست، یا بین آن. در مطالعه حاضر از همان گزاره‌هایی استفاده شد که مارین و همکاران در پژوهش خود استفاده کردند؛ در زدن مالیات در صورتی که شانس آن را پیدا کنیم، دریافت تسهیلات دولتی که مربوط به شما نیستند، مبادله پول نقد برای ندادن مالیات.

شرکت‌کنندگان می‌توانند با انتخاب بر روی مقیاسی از ۱ تا ۱۰ نشان دهند که چقدر یک رفتار به نظرشان توجیه‌پذیر است. هر سه گزاره این پرسشنامه در یک فاکتور تجمیع می‌شوند و بنابراین در یک آزمون یکتا می‌توانند استفاده شوند. سازه «آزاد انگاری اخلاقی» ثابت شده است که بسیار قابل اتکا است (ضریب آلفای کرونباخ = ۰/۶۷).

نتایج

آزمون اول

با توجه به تنوع مشارکت‌کنندگان در بازی پرتاب سکه از منظر جنسیت، فراوانی نمونه‌ها بررسی و به تفکیک دسته در نمودار ذیل منعکس شده است:

جدول ۳. فراوانی شرکت‌کنندگان در آزمون اول از نظر جنسیت

جنسیت	درصد	تعداد معتبر
مرد	۷۹	۲۷۳
زن	۱۸	۶۴
بدون پاسخ	۳	۱۰
مجموع	۱۰۰	۳۴۷

همچنین نمونه‌ها از منظر سن دارای تنوع ذیل بودند:

جدول ۴. فراوانی شرکت‌کنندگان در آزمون اول از نظر سن

سن	درصد	تعداد معتبر
۱۶ و کمتر	۱۵	۵۳
۱۷ تا ۲۵	۳۱	۱۰۶
۲۶ تا ۳۵	۳۵	۱۲۱
۳۶ تا ۴۵	۱۰	۳۶
۴۶ تا ۵۵	۸	۲۷
۵۶ و بیشتر	۱	۴
مجموع	۱۰۰	۳۴۷

تنوع تحصیلات در نمونه پژوهش به ترتیب ذیل بود:

جدول ۵. فراوانی شرکت‌کنندگان در آزمون اول از نظر تحصیلات

تحصیلات	درصد	تعداد معتبر
دیپلم و پایین‌تر	۲۰	۷۰
فوق دیپلم	۱۹	۶۸
لیسانس	۲۷	۹۳
فوق لیسانس	۲۲	۷۶
دکتری	۱۲	۴۰
مجموع	۱۰۰	۳۴۷

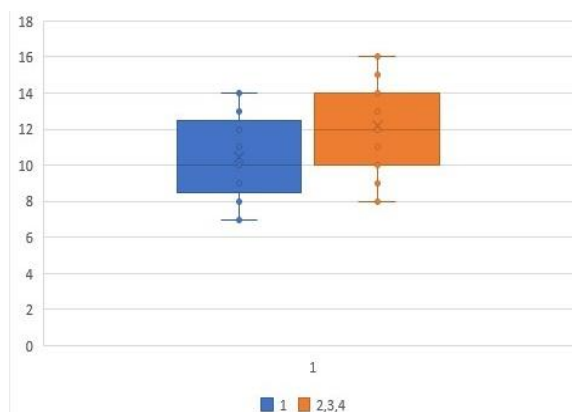
همان طور که آبلر و همکاران (۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود ذکر می‌کند، پیشگویی نظریات استاندارد اقتصادی در مورد آزمون این پژوهش روشن است: شرکت کنندگان انگیزه مالی واضحی برای تقلب داشتند و یک انسان منطقی در نبود هرگونه نظارت یا تبعات خارجی، باید حداکثر استفاده از فرصت تقلب را بکند؛ بنابراین اقتصاد کلاسیک پیش بینی می‌کند که افراد باید ۲۰ نتیجه شیر را در ۲۰ تکرار بازی شیر یا خط گزارش دهند تا تمام ۱۰ دلار جایزه را از آن خود کنند.

طراحی بسیار ساده آزمون بعید است شرکت کنندگان را در تشخیص انتخابی که منافعشان را حداکثر می‌کند با مشکل روبه‌رو کند. مهم‌تر از آن چنین چیدمانی کاملاً ناشناس است که باعث می‌شود هرگونه نگرانی از لحاظ جلوه و آبروی فرد از بین برود. شرکت کنندگان در شرایطی که فقط اجازه یک پرتاب داده شود یک انتخاب دودویی بین دروغ گفتن و نگفتن دارند؛ اما در تنظیمات آزمایش حاضر هر شرکت کننده اجازه پرتاب ۲۰ سکه را دارد که به وی اجازه می‌دهد انتخابی منعطف‌تر در طیف بین راست‌گویی و دروغ‌گویی داشته باشد. براساس پژوهش مزار و همکاران (۲۰۰۸) این موضوع شرکت کنندگان را قادر می‌سازد تا بدون لطمه‌زدن به تصویر خود دست به قانون شکنی بزنند.

جدول ۶. اطلاعات تعداد شیر در پرتاب سکه

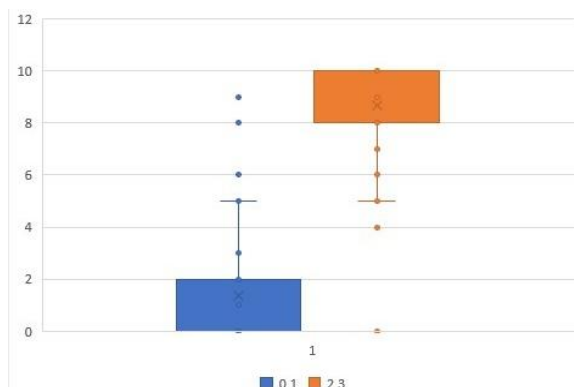
تعداد شیر در بازی پرتاب سکه	واریانس تعداد شیرها	تعداد مشارکت کنندگان
۱۲/۳	۴/۷	۳۴۷

میانگین ۱۲/۳ نتیجه شیر از ۲۰ پرتاب در بازی شیر یا خط توسط ۳۷۱ شرکت کننده پژوهش حاضر گزارش شد که فرضیات تئوری تعمیر خودانگاره را تأیید می‌کند. بر این اساس افراد وقتی فرصت تقلب دارند فقط تا حدی که به خودانگاره‌شان صدمه نزد تقلب می‌کنند. همچنین همان‌طور که تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده پیشنهاد می‌کند، هنجارهای ذهنی نقش مؤثری بر میزان مشارکت در عمل قانون شکنانه دارد. همان‌طور که در نمودار جعبه زیر قابل مشاهده است، میان شاخص آزادی کشورها و میزان شیر گزارش شده رابطه معناداری وجود دارد (تأیید فرضیه ۱).



شکل ۲. چارک شاخص آزادی انسان (HFI) و تعداد شیر اعلام شده در بازی پرتاب سکه (محور عمودی)

استفاده از سیگنال‌های تایتانیک در معاملات رمز ارزها یک عمل غیر اخلاقی به‌شمار می‌آید زیرا سود آن از محل ضرر دیگر خریداران تأمین می‌شود. همان‌طور که در نمودار زیر قابل مشاهده است، افرادی که به میزان بیشتری در استفاده از سیگنال تایتانیک مشارکت داشتند (محور افقی)، تخمین می‌زدند که تعداد بیشتری از دوستانشان استفاده از سیگنال‌ها را تأیید می‌کنند (تأیید فرضیه ۳).



شکل ۳. تعداد سیگنال استفاده شده و درصد ادراکی از دوستان تأییدکننده این عمل (محور عمودی)

آزمون دوم

با توجه به تنوع کارآفرینان از منظر جنسیت، فراوانی نمونه‌های مورد بررسی به تفکیک دسته در نمودار ذیل منعکس شده است:

جدول ۷. فراوانی نمونه‌ها از نظر جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد	تعداد معتبر
مرد	۱۲۸	۶۲/۴	۱۱۵
زن	۷۷	۳۷/۶	۷۴
مجموع	۲۰۵	۱۰۰	۱۸۹

همچنین نمونه کارآفرینان از منظر سن دارای تنوع ذیل بودند:

جدول ۸. فراوانی نمونه‌ها از نظر سن

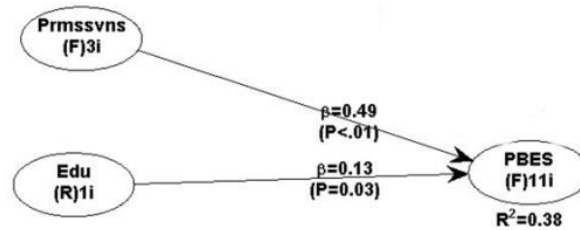
سن	تعداد	درصد	تعداد معتبر
۱۶ و کمتر	۲	۰/۵۲	۱
۱۷ تا ۲۵	۳۰	۱۳/۶۹	۲۶
۲۶ تا ۳۵	۱۱۱	۵۴/۷۴	۱۰۴
۳۶ تا ۴۵	۵۲	۲۵/۳۶	۴۸
۴۶ تا ۵۵	۹	۴/۷۴	۹
۵۶ و بیشتر	۲	۱/۰۵	۲
مجموع	۲۰۶	۱۰۰	۱۹۰

تنوع تحصیلات در نمونه پژوهش به ترتیب ذیل بود:

جدول ۹. فراوانی نمونه‌ها از نظر تحصیلات

تحصیلات	تعداد	درصد	تعداد معتبر
دیپلم و پایین‌تر	۱۲	۵/۸	۱۱
فوق‌دیپلم	۷	۳/۷	۷
لیسانس	۸۸	۴۲/۹	۸۱
فوق‌لیسانس	۷۸	۳۷/۵	۷۱
دکتری	۱۹	۱۰/۱	۱۹
مجموع	۲۰۴	۱۰۰	۱۸۹

جدول زیر همبستگی قابل توجهی (احتمال کم‌تر از ۰/۰۱) را در جهت پیش‌بینی شده بین دو سازه آزاد انگاری قانونی و اخلاق در کار نشان می‌دهد که نتیجه گرفته می‌شود که ارتباط میان سازه‌های در نظر گرفته شده معتبر است.



شکل ۴. مدل تأثیر جنسیت، آزاد انگاری قانونی (Prmssvns) و تحصیلات (Edu) بر میزان اخلاق در کار (PBES) با نقش کنترلی سن و جنسیت

جدول ۱۰. نتایج آزمون همبستگی فرضیه دوم در ارتباط با کارآفرینان کسب و کارهای الکترونیک

شخص همبستگی	آزاد انگاری قانونی	اخلاق در کار	جنسیت	سن	تحصیلات
آزاد انگاری قانونی	۱	۰/۵۲۴	-۰/۲۶۴	-۰/۰۹۳	-۰/۰۰۹
اخلاق در کار	۰/۵۲۴	۱	-۰/۲۳	-۰/۱۸	۰/۰۹۸
جنسیت	-۰/۲۶۴	-۰/۲۳	۱	۰/۰۳۷	۰/۰۴۹
سن	-۰/۰۹۳	-۰/۱۸	۰/۰۳۷	۱	۰/۲۶۸
تحصیلات	-۰/۰۰۹	۰/۰۹۸	۰/۰۴۹	۰/۲۶۸	۱

جدول ۱۱. مقدار P-Value در آزمون همبستگی فرضیه دوم در ارتباط با کارآفرینان کسب و کارهای الکترونیک

مقدار P	آزاد انگاری قانونی	اخلاق در کار	جنسیت	سن	تحصیلات
آزاد انگاری قانونی	۱	۰/۰۰۱>	۰/۰۰۱>	۰,۲۰۱	۰/۹۰۱
اخلاق در کار	۰/۰۰۱>	۱	۰/۰۰۱	۰,۰۱۳	۰/۱۸۱
جنسیت	۰/۰۰۱>	۰/۰۰۱	۱	۰,۶۰۸	۰/۵۰۱
سن	۰/۲۰۱	۰/۰۱۳	۰/۶۰۸	۱	۰/۰۰۱>
تحصیلات	۰/۹۰۱	۰/۱۸۱	۰/۵۰۱	۰/۰۰۱>	۱

بنابراین نتایج آزمون فرضیه‌ها به‌قرار ذیل گزارش می‌شود:

جدول ۱۲. نتایج آزمون فرضیه‌ها

وضعیت پذیرش	شماره فرضیه	ضریب مسیر	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید	۲	۰/۴۸	اخلاق در کار	آزاد انگاری قانونی
رد	۴	۰/۱۳	اخلاق در کار	سطح تحصیلات

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه پژوهش حاضر امکان بررسی بین فرهنگی مسئله پژوهش را به خاطر ترکیب مناسب چندملیتی اعضای نمونه فراهم می‌سازد. تأیید چارچوب پیشنهادی این پژوهش در طول دو آزمون مختلف که در زمینه‌های کاملاً متفاوت کارآفرینی و رمز ارزها انجام شد می‌تواند نشان‌دهنده روایی بالای مدل پیشنهادی باشد. در آزمایش اول، تأثیر شاخص آزادی‌های انسان بر عملکرد مبادله‌کنندگان رمز ارزها بررسی شد. کاهش آزادی‌ها و افزایش محدودکنندگی قانون، بر میزان احتمال بروز قانون شکنی فرد تأثیر مثبت دارد (فرضیه ۱). مبادله‌کنندگان رمز ارزها به خاطر اینکه به جای پول از انواع مختلف دیگری استفاده می‌کنند، طبق تئوری تعمیر خودانگاره، راحت‌تر می‌توانند ناراستی و قانون شکنی خود را توجیه کرده و انعطاف اخلاقی بالاتری دارند. در بین مبادله‌کنندگان رمز ارزها استفاده از سیگنال‌ها مرسوم است. سازوکار یک سیگنال بر پایه دست‌کاری قیمت یک ارز است که موجب می‌شود خریداران اولیه با کمک سیگنال، معامله پرسودی داشته باشند، اما این سود از محل ضرر خریداران نهایی آن ارز تأمین می‌شود؛ بنابراین استفاده از سیگنال‌ها یک کار غیراخلاقی به حساب می‌آید. در آزمون اول به این شرکت‌کنندگان فرصت مشارکت در یک بازی پرتاب سکه داده شد که

به تعداد شیرها به آن‌ها کوپن پنجاه سنتی ارائه شد. در این آزمون نیز مشاهده شد افرادی که کشورشان در چارک‌های پایینی آزادی انسان‌ها قرار داشت، میانگین بالاتری از افراد کشورهای آزاد در تعداد شیرها در بازی شیر یا خط گزارش دادند.

در آزمون دوم قانون‌شکنی در دو زمینه متفاوت و با کمک دو سازه مختلف که از ادبیات انتخاب شده بودند بر روی نمونه‌ای از ۱۸۹ کارآفرین بررسی شد. براساس نتایج این آزمایش کسانی که در سازه اول میزان نمره بالاتری از قانون‌شکنی دریافت کرده بودند در سازه دوم نیز باید نتایج بالاتری بگیرند؛ زیرا بی تفاوتی نسبت به قوانین، محدود به یک زمینه نیست و در طول زمینه‌های مختلف برقرار است. آزمون دوم، نیز این فرض را تأیید کرد که افزایش قانون‌شکنی در یک زمینه، رابطه مستقیم و مثبت با افزایش احتمال قانون‌شکنی فرد در سایر زمینه‌ها دارد (فرضیه ۲).

همان‌طور که در نتایج آزمون اول قابل مشاهده است، افرادی که به میزان بیشتری در استفاده از سیگنال تایتانیک مشارکت داشتند، تخمین می‌زدند که تعداد بیشتری از دوستانشان نیز استفاده از سیگنال‌ها را تأیید می‌کنند. همان‌طور که تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده پیشنهاد می‌کند، افرادی که فکر می‌کنند اطرافیانشان نسبت به یک کار دید بهتری دارند یا دست به آن کار می‌زنند، خود نیز مشارکت بالاتری در عمل به آن کار خواهند داشت. استفاده از سیگنال‌های تایتانیک در معاملات رمز ارزها یک عمل غیر اخلاقی به‌شمار می‌آید زیرا سود آن از محل ضرر دیگر خریداران تأمین می‌شود. نتایج آزمون اول که با تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده هم‌راستا است، تأیید می‌کند که میزان احتمال فرد در ارتکاب قانون‌شکنی، با میزانی که احتمال می‌دهد سایرین آن قانون‌شکنی را مرتکب می‌شوند رابطه مستقیم دارد (فرضیه ۳).

طبق نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، ارتکاب به یک رفتار خاص به قصد آن رفتار وابسته است که خود دستخوش سه عنصر نگرش نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری ادراک شده است. پژوهشگران در گذشته بارها از این نظریه برای پیش‌بینی قانون‌شکنی بهره برده‌اند. برای مثال طبق پژوهش ژو و همکاران^۱ (۲۰۰۹) افراد، هنگامی که دیگران از خیابان عبور کنند، احتمال بیشتری به عبور پرخطر از خیابان را گزارش دادند. هنجارهای ذهنی که یکی از ابعاد مورد بررسی این نظریه است، همان میزان فشار اجتماعی ادراک شده نسبت به انجام یا عدم انجام یک رفتار است. پژوهش حاضر نیز نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده را تأیید کرده و شواهدی بر اهمیت هنجارهای ذهنی در میزان قانون‌شکنی افراد ارائه می‌کند.

همان‌طور که دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۸) گستردگی دامنه منهیات قانون را از عوامل پیش‌بینی‌کننده قانون‌شکنی برشمردند، براساس نتایج پژوهش حاضر نیز روشن است که اگر افراد برای گذراندن زندگی روزمره خود نیاز به شکستن قوانین داشته باشند، ناخواسته و بدون آگاهی در برابر رعایت قوانین دچار انعطاف بیشتری خواهند شد. چنین وضعیتی در چارچوب نظریه قانون‌شکنی، آنومی نام می‌گیرد.

از نظر دورکیم نیز هنجارهای اجتماعی پیشین و بی‌اعتبار شدن سنت‌ها و پیوندهای گروهی معمول به‌واسطه پیشرفت و توسعه اجتماعی، علت اصلی شرایط بی‌هنجاری و آنومیک است (ریبسی و همکاران، ۱۳۹۵). در حقیقت، بین درجه قانون‌پذیری پاسخگویان و نگرش آن‌ها در مورد رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی از سوی مردم، رعایت انضباط اجتماعی، رعایت ساعات کار در ادارات، پرداخت به‌موقع مالیات، پرداخت به‌موقع هزینه آب، برق، تلفن و گاز و رعایت حقوق همدیگر، رابطه معناداری مشاهده شده است

(ربیعی و همکاران، ۱۳۹۵؛ فخرایی، ۱۳۷۸). در پژوهشی که توسط محسنی (۱۳۹۱) انجام شد نیز مشاهده شد که محدودکنندگی قوانین تأثیر بالایی در شیوع قانون شکنی دارد. به طوری که درصد چشم‌گیری از افراد مورد مطالعه (۴۵/۳ درصد) تضاد منافع فردی‌شان با قانون را در عدم پذیرش قانون (قانون شکنی) مؤثر دانسته‌اند.

یافته‌های پژوهش حاضر نیز این موضوع را تأیید می‌کند و با ادامه دادن مسیر پژوهشگران گذشته، یک تفکیک جزئی‌تر از قانون شکنی، به‌ویژه از قانون‌گیری نرم، ارائه داده و با کمک نظریات تعمیر خودانگاره شکاف حاضر در نظریه قانون شکنی را با توجه به خودآگاهی یا ناخودآگاه بودن عمل، توسعه می‌دهد. براساس نظریه تعمیر خودانگاره که در سال ۲۰۰۶ توسط دن آریلی و مزار عنوان شد، برای انگیزه‌های درونی می‌توان یک نقش تعدیل‌کننده در رابطه میزان ارتکاب به رفتار نادرست و میزان سود بیرونی حاصل از آن قائل شد. براساس این نظریه، اغلب مردم همواره در موقعیت مناسب دست به رفتار نادرست می‌زنند اما فقط تا آستانه‌ای که نظرشان نسبت به خودشان به‌عنوان فردی درست‌کار تغییر نکند. حال آنکه این آستانه تحت تأثیر عوامل مختلف محیطی و روان‌شناختی قابل جابه‌جایی است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز این موضوع را تأیید کرده و شواهد لازم برای وجود عوامل و انگیزه‌های روان‌شناختی درونی و پایه‌های لازم جهت طرح نظریه تعمیر خودانگاره را ارائه می‌کند.

پژوهشگران نظریه تعمیر خودانگاره در گذشته نقش تجربه را در احتمال ارتکاب به قانون شکنی بررسی کرده‌اند اما زمینه قانون شکنی در متغیر مستقل و وابسته (سازه‌های تجربه و قانون شکنی) در این پژوهش‌ها محدود به تکرار یک عمل یکسان و مشابه بوده است. مشکل محدود کردن تجربه به تکرار ارتکاب یک عمل در همان زمینه یکسان، اثر مداخله‌گری فعال‌سازی سازوکارهای عادت و اتوماتیک‌سازی است. درواقع افراد ممکن است تنها به‌علت عادت به انجام یک قانون شکنی، آن را با احتمال بیشتری انجام دهند و آستانه ریاکاری آن‌ها تغییری نکرده باشد. پژوهش حاضر با کنار گذاشتن این محدودیت، نقش تجربه قانون شکنی را فارغ از زمینه آن بررسی و تأیید کرد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، افزایش احتمال قانون شکنی در یک زمینه می‌تواند به سایر زمینه‌ها نیز سرایت یابد.

پژوهش حاضر با تأیید یافته‌های هاردینگ، با پرداختن به بررسی عوامل زیرساختی و سازگار این‌گونه یادگیری قانون شکنی، یافته‌های پژوهشگران نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده را توسعه می‌بخشد. بر این اساس ارتکاب به قانون شکنی در یک زمینه، باعث می‌شود تا آستانه قانون شکنی ما بالاتر رفته و با احتمال بیشتری در سایر زمینه‌ها نیز دست به قانون شکنی بزنیم. با آزمون‌های پژوهش حاضر دخالت سازوکار عادات و اتوماتیک‌سازی به حداقل رسیده و در جهت توسعه پژوهش‌های پیشین، تجربه از یک دیدگاه عمومی‌تر بررسی شد؛ بنابراین با افزایش دامنه منهیات و محدودکنندگی قوانین، تجربه قانون شکنی فرد نه‌تنها در همان زمینه افزایش می‌یابد، بلکه به سایر زمینه‌ها نیز سرایت پیدا خواهد کرد.

این مطالعه جزء اولین کوشش‌هایی است که به قانون، خود به‌عنوان عاملی برای ترویج قانون شکنی نگاه می‌کند. بنابر پژوهش حاضر اگر از پدیده قانون به‌درستی استفاده نشود، می‌تواند تأثیر خود را از دست بدهد و این خود موجب شود تا افراد به شکستن آن بی‌تفاوت شوند. پژوهش حاضر در کنار سایر ادبیات پژوهش یک رویکرد روان‌شناختی را در مقابله با قانون شکنی پیشنهاد می‌دهد.

مدل پیشنهادی پژوهش حاضر هم‌بخشی اساسی به تمام ساحات جامعه از جمله کارآفرینان، سیاست‌گذاران و دانشگاهیان دارد و باعث می‌شود نرمش اخلاقی به‌صورت ناخودآگاه در افراد شکل بگیرد. این

پژوهش با بهره‌گیری از دیدگاه نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده و بر پایه نظریه تعمیر خودانگاره به توسعه ادبیات حاضر کمک می‌کند و با وام گرفتن از تئوری تعمیر خودانگاره، به توسعه نظریه قانون‌شکنی با در نظر گرفتن یک آستانه برای قانون‌شکنی می‌پردازد. در واقع بر این اساس قانون‌شکنی نرم می‌تواند بدون اختیار و به صورت ناخودآگاه صورت پذیرد. براساس هم‌بخشی این پژوهش به نظریات قانون‌شکنی می‌توان سیاست‌های جدیدی در قانون‌گذاری اتخاذ کرد تا از تبدیل قانون‌شکنی به یک عمل روزمره و ترویج آن جلوگیری شود.

نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که می‌توان ارتباطی مستقیم در بین میزان محدودیت‌های قانونی و درگیری در قانون‌شکنی یافت. در بررسی و تطبیق نتایج پژوهش با پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت که برخی از مؤلفه‌های به دست آمده از این پژوهش به انواع مختلف در پژوهش‌های دیگر بیان گردیده است، اما این امر بسیار جزئی بوده و مؤلفه‌های استخراج شده در این پژوهش با استفاده از داده‌های جهانی، در نمونه‌های مشابه ملاحظه نگردیده است. پیامدهای عملی این مطالعه قبل از هر چیز مورد توجه افرادی است که با مقوله قانون‌گذاری در سطح کلی در ارتباط‌اند. این موضوع به خصوص برای سیاست‌گذاران مورد توجه است.

مانند تمام پژوهش‌ها در زمینه اخلاق و قانون‌شکنی، پژوهش حاضر نیز با محدودیت‌های اخلاقی در اجرای آزمایش مواجه است. برای آزمایش فرضیات در مورد سازوکارهای اخلاقی نمی‌توان انسان‌ها را تشویق به شکستن قوانین و زیر پا گذاشتن اخلاق کرد. این مهم امکان بررسی رابطه علی بین سازه‌های پژوهش را در محیط آزمایشگاهی سلب کرده و منجر به تضعیف اعتبار نتایج می‌شود. همچنین سازه تجربه پدیده‌ای است که در طول زمان اتفاق می‌افتد و نیاز به انجام پژوهش‌هایی از نوع طولی دارد که با توجه به محدودیت‌های مالی و زمانی پژوهشگر، انجام آن از عهده این پژوهش خارج بود.

از طرف دیگر اطلاعات قانون‌شکنی افراد و سازمان‌ها اغلب جزو اطلاعات محرمانه و خصوصی آن‌ها تلقی می‌شود که پژوهش در این رابطه را مشکل می‌سازد. این نوشتار نیز مانند دیگر پژوهش‌های علوم انسانی به‌طور عمده تکیه بر اطلاعاتی دارد که افراد خود گزارش می‌دهند. هرچند سعی شده است با فراهم کردن شرایطی برای گزارش ناشناس و یا به‌کارگیری تکنیک‌هایی برای تخمین احتمال قانون‌شکنی، تأثیر عوامل مداخله‌گر بر تحقیق سازه قانون‌شکنی به حداقل برسد، اما همچنان با محدودیت‌های بسیاری از این لحاظ روبرو بوده است.

سپاسگزاری

این پژوهش با حمایت مالی آکادمی علوم چین^۱ (CAS) به شماره 13bf10102 انجام پذیرفته است لذا تیم پژوهش بر خود لازم می‌داند که از آن آکادمی تشکر و قدردانی نماید.

منابع

اصغرزاده، سمیه؛ شایگان، فریبا (۱۳۹۴). رویکردی چندعاملی به قانون‌شکنی. *پژوهش‌های دانش‌انظامی*، ۱۷ (۴)، ۱-۱۶.

دانایی‌فرد، حسن؛ آذر، عادل؛ صالحی، علی (۱۳۸۸). قانون‌شکنی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی فرهنگی. *پژوهش‌های دانش‌انظامی*، ۱۱ (۳)، ۶۵-۷.

ربیعی، علی‌رضا؛ ملک‌محمدی، مهرباب؛ قجری، حسینعلی (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان

- به قانون شکنی (جوانان ۱۴ الی ۲۹ ساله شهر بروجن). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۵ (۳۲)، ۱-۲۸.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت‌الله (۱۳۹۱). رابطه سرمایه اجتماعی و قانون شکنی در بین شهروندان شهر یزد. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۸ (۲۷)، ۸۴-۱۱۵.
- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۸۸). بررسی علل اجتماعی و جامعه‌شناختی قانون شکنی رانندگان متخلف. *راهور*، ۵ (۵)، ۵۴-۲۳.
- علی‌بابایی، ییحی؛ فیروزجائیان، علی‌اصغر (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون شکنی. *فصلنامه دانش انتظامی*، ۱۱ (۴)، ۷-۵۸.
- فخرایی، سیروس (۱۳۷۸). بررسی میزان قانون پذیری و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی*، ۵ (۱)، ۱۱۱-۱۱۲.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی قانون شکنی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی. *نظم و امنیت انتظامی*، ۵ (۱۷)، ۸۳-۱۰۸.
- محمدی الیاسی، قنبر؛ بادلی، زهرا (۱۳۹۴). تأثیر عوامل محیطی بر تصمیم‌گیری اخلاقی در کسب و کارهای نوپا. *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، ۸ (۱)، ۱۷۵-۱۹۳. doi: 10.22059/JED.2015.55474
- هولمز، رابرت ال. (۲۰۰۴). *مبانی فلسفه اخلاق*. ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.

References

- Abeler, J., Becker, A., & Falk, A. (2014). Representative evidence on lying costs. *Journal of Public Economics*, 113, 96-104. doi: 10.1016/j.jpubeco.2014.01.005
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50: 179-211. doi: 10.1016/0749-5978(91)90020-T
- Alibabaei, Y., & Firouzjaeiyan, A. A. (2009). Sociological analysis of factors affecting lawlessness. *Police Knowledge Journal*, 11 (4), 7-58 (in Persian).
- Arlow, P., & Ulrich, T. A. (1980). Business ethics, social-responsibility and business students-an empirical-comparison of clarks study. *Akron Business and Economic Review*, 11 (3), 17-22.
- Asgharzadeh, S., & Shaygan, F. (2015). A Multifactorial Approach to Illegality. *Police Knowledge Journal*, 17(4), 1-16 (in Persian).
- Azizi, H. R. (2009). Investigating the social and sociological causes of illegal driving by delinquent drivers. *Rahvar Journal*, 5 (5), 23-54 (in Persian).
- Clark, J. W. (1966). *Religion and the moral standards of American businessmen*. South-western Publishing Company.
- Danaeifard, H., Azar, A., & Salehi, A. (2008). Lawlessness in Iran: explaining the role of political, economic, legal, managerial and socio-cultural factors. *Police Knowledge Journal*, 11 (3), 7-65 (in Persian).
- Fakhraei, S. (2000). Investigating the level of legitimacy and the factors affecting it. *Cultural and Social Quarterly of the General Culture Council of Islamic Guidance*, 5 (1), 111-112 (in Persian).
- Holmes, R. L. (2004). *Basics of moral philosophy*. Translated by Olia, M. to Persian, Tehran: Qaqnos (in Persian).
- Marien, S., & Hooghe, M. (2011). Does political trust matter? An empirical investigation into the relation between political trust and support for law compliance. *European Journal of Political Research*, 50 (2), 267-291. doi: 10.1111/j.1475-6765.2010.01930.x
- Mazar, N., Amir, O., & Ariely, D. (2008). The Dishonesty of Honest People: A Theory of Self-Concept Maintenance. *Journal of Marketing Research*, 45 (6), 633-644. doi: 10.1509/jmkr.45.6.633
- Mohammadi Elyasi, G., & Badli, Z. (2015). Environmental factors influencing on ethical decision making of novice businesses. *Journal of Entrepreneurship Development*, 8 (1),

- 175-193. doi: 10.22059/JED.2015.55474 (in Persian).
- Mohseni, R. A. (2011). Sociological analysis of lawlessness and solutions for legalism and public order. *Order & Security Research Journal*, 5 (17), 83-108 (in Persian).
- Mujtaba, B. G., Cavico, F. J., McCartney, T. O., & DiPaolo, P. T. (2009). Ethics and retail management professionals: An examination of age, education, and experience variables. *American Journal of Business Education (AJBE)*, 2 (3), 13-26. doi: 10.19030/ajbe.v2i3.4044
- Mujtaba, B. G., Tajaddini, R., & Chen, L. Y. (2011). Business Ethics Perceptions of Public and Private Sector Iranians. *Journal of Business Ethics*, 104 (3), 433-447. doi: 10.1007/s10551-011-0920-z
- Rabiei, A., Malek Mohammadi, M., & Ghajari, H. (2016). Sociological Explanation of Factors Affecting Youth Illegality (14 - 29 year old youth in Borujen). *Strategic Studies on Youth and Sports*, 15(32), 153-170 (in Persian).
- Stephenson, H. B., Galbraith, S. & Grimm, R. B. (1995). Ethical congruency of constituent groups. *Journal of Business Ethics*, 14 (2), 145-158. doi: 10.1007/BF00872019
- Stevens, G. E. (1984). Business Ethics And Social-Responsibility: The Responses Of Present And Future Managers. *Akron Business and Economic Review*, 15 (11), 6.
- Zare Shahabadi, A., & Turkan, R. (2012). A Survey of relationship between social capital and law evasion among Yazd City. *Cultural Studies & Communication*, 8 (27), 84-118 (in Persian).
- Zhou, R., Horrey, W. J. & Yu, R. (2009). The effect of conformity tendency on pedestrians' road-crossing intentions in China: An application of the theory of planned behavior. *Accident Analysis Prevention*, 41 (3), 491-497. doi: 10.1016/j.aap.2009.01.007